

تشکیل ستاد بحران برای مقابله با جنبش کارگری

گسترده تر خواهد شد. «علیرضا محبوب، با عنوان دبیر کل خانه کارگر، یعنی تشکل زرد و گوش به فرمان رژیم، نیز در مصاحبه بی خبرگزاری جمهوری اسلامی، در این زمینه، متذکر می گردد: «شمار واحدهای صنعتی که با مشکل روبرو هستند رو به افزایش است و نهادهای مسئول هم توان این را از دست داده اند که به مسایل کارگری رسیدگی کنند.» اینکه به گفته محبوب نهادهای مسئول توان رسیدگی به مسایل کارگری را از دست داده اند، امری پراهمیت است. تا به امروز، کلیه ترفندها و مانورهای رژیم ولایت فقیه برای مهار، خنثی سازی و انحراف جنبش

ادامه در صفحه ۴

۲۸ مرداد ۱۳۳۲، توطئه ننگین ارتجاع و امپریالیسم، و درس هایی برای جنبش مردمی

با فراسیدن ۲۸ مرداد امسال، ۴۷ سال از کودتای سیاه و ننگین ۲۸ مرداد ۳۲، برضد جنبش انقلابی خلق های میهن ما، در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، می گذرد. در چنین روزی، با توطئه های خائنانه محمد رضا شاه و ماموران اطلاعاتی سازمان های جاسوسی «سیا» و «اینتلجنس سرویس» و خود فروختگان و جنایتکارانی مانند: اشرف پهلوی ها، زاهدی ها، بقایی ها، میراشرافی ها، سپهبد آزموده ها، تیمور بختیارها، شعبان جعفری (بی مخ ها) و ... حکومت قانونی دکتر محمد مصدق سقوط کرد، و به مدت ۲۵ سال کشور ما، در سیاهی ارتجاع، به بند کشیده شد، و فرزندان غیور و آزادی خواه و انقلابی ملت ما، روزبه ها، سیامک ها، وارطان ها، مرتضی کیوان ها، انوشه ها و دکتر فاطمی ها، به جوخه های آتش سپرده شدند، یا در زندان های ستم شاهی زیر شکنجه کشته شدند و یا به تبعید رفتند.

هر زمان که در کشورمان جنبش های آزادی خواهانه، استقلال طلبانه و ترقی خواهانه،

ادامه در صفحه ۳

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما، به عنوان ستون فقرات جنبش دموکراتیک سراسری مردم، با برپایی صدها حرکت اعتراضی، طی چند ماه اخیر، رژیم ولایت فقیه را در برابر چالشی بزرگ قرار داده اند. ابعاد این حرکات اعتراضی و تاثیر اجتماعی آن، تا بدان پایه است که، مسئولان درجه اول جمهوری اسلامی آژیر خطر را به صدا در آورده اند. روزنامه کیهان، ارگان ارتجاع درنده خوی ایران در این خصوص، در شماره روز ۴ تیرماه، با درج گزارشی، یادآور می شود: «مشکل واحدهای صنعتی که حقوق کارگران خود را پرداخت نمی کنند، این روزها در حال تبدیل شدن به یک مشکل فراگیر است و قطعاً اگر اقدام به موقعی برای حل آن صورت نگیرد، مرزهای این معضل اجتماعی، روز به روز

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به توطئه سکوت درباره بزرگترین جنایت سیاسی تاریخ معاصر میهن ما باید پایان داد!

الله منتظری، «نایب ولی فقیه» وقت، حاضر نشد به «بیعت» با آن تن در دهد، و ضمن ارسال نامه بی به خمینی اعتراض شدید خود را نسبت به آنچه در زندان های رژیم سازمان دهی شده بود اعلام کرد. اعتراضی که خود زمینه ساز توطئه باند رفسنجانی - خامنه ای برای کنار گذاشتن و خانه نشین کردن او گردید.

بسیاری از سازمان های حقوق بشر، نیروهای مترقی و آزادی خواه در سراسر جهان، که همواره مدافع انقلاب ایران و جنبش آزادی خواهانه میهن ما بودند، این جنایت را با جنایات نازی ها در اردوگاه های مرگ، همچون آشویتس، مقایسه کردند و تنفر و انزجار عمیق خود را نسبت به این جنایت تکان دهنده اعلام کردند. کشتار هزاران زندانی سیاسی، که سازمان عفو بین الملل تعداد قربانیان آن را بیش از پنج هزار نفر تخمین زده است، نشان داد که، در دستگاه نظری رهبران رژیم «ولایت فقیه» هر جنایتی، هرچند تکان دهنده و هولناک، به منظور حفظ پایه های «نظام اسلامی نمونه» جهان جایز است. دوازده سال پس از این جنایت هولناک، رژیم «ولایت فقیه»، هنوز حتی

ادامه در صفحه ۶

نامه
مردم
ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۹۰، دوره هشتم
سال هفدهم، ۱ شهریور ۱۳۷۹

هم میهنان آزاده و آگاه با فرا رسیدن شهریور ماه ۱۳۷۹، دوازده سال از فاجعه ملی کشتار هزاران زندانی دگراندیش در زندان های رژیم «ولایت فقیه» می گذرد. دوازده سال پیش، در پی خاموش شدن شعله های جنگ خانمان سوز ایران و عراق، و در پی شکست سیاست جنایت کارانه «جنگ، جنگ تا تاپیروزی»، که ده ها هزار جوان این مرز و بوم را به کام نابودی کشاند و ده ها هزار دیگر را مجروح و علیل کرد، سران رژیم «ولایت فقیه»، و در رأس آنها هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، و به اعتراف خودش «رهبر مدیریت بحران»، و سید علی خامنه ای، رئیس جمهوری وقت، باخمینی تبانی کردند که فرمان بزرگترین کشتار سیاسی تاریخ میهن ما را صادر کند. اعزام گروه های مرگ در لباس «قاضی» به زندان های کشور و سپس محاکمات چندین دقیقه ای، برای دادن پوشش قانونی به این جنایت هولناک، آغاز روندی بود که طی آن هزاران انسان مبارز و آزادی خواه و شماری از قهرمانان و رهبران جنبش آزادی خواهی میهن ما، در دهه های اخیر، به جوخه های مرگ سپرده شدند و فاجعه بی در ابعاد ملی برای میهن ما ایجاد شد. ابعاد این جنایت آن چنان هولناک و تکان دهنده بود، که آیت

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

□ نگاهی به رویدادهای ایران

در هفته ای که گذشت □

روزنامه نگاران، به بهانه های واهی راهی زندان می گردند. مروی در مورد پرونده قتل های زنجیره ای اظهار داشت که این پرونده آماده صدور کیفرخواست است و پس از تکمیل تحقیقات قضایی در مورد انگیزه متهمان از وقوع این قتل ها، پرونده به دادگاه ارسال خواهد شد. ذکر جمله «انگیزه متهمان از وقوع این قتل ها»، به خوبی نشان دهنده تلاش ذوب شدگان در راستایی است که عاملین و آمرین این قتل ها از زیر ضرب خارج شوند.

■ روز سه شنبه، روزنامه حیات نو، اعلامیه دفتر تحکیم وحدت را به چاپ رساند که در آن خطاب به نمایندگان، از سکوت آنها انتقاد به عمل آمده بود. نامه دفتر تحکیم وحدت، ضمن رد هر گونه مصلحت بینی از طرف نمایندگان، نسبت به عملکرد کروی نیز واکنش تند ابراز داشته و در پایان آورده است که، به نظر این دفتر، مجلس باید در راس امور باشد و وظیفه نمایندگان است که با درایت و صلابت در مقابل زیاده روی ها بایستند. جبهه مشارکت ایران اسلامی در این روز، با انتشار بیانیه بی در باره دستگیری نویسندگان و روزنامه نگاران و محکومیت این اقدامات غیر قانونی در جواب اظهارات معاون قوه قضائیه اعلام کرد که، آن را مثبت دانسته، ولی این امر را کافی ندانسته و از مسئولان این قوه خواست تا در راه پیشگیری از این اقدامات ناصواب، اقدام لازم را مبذول دارند.

■ عباس عبیدی، در مصاحبه بی با ایسا اعلام کرد که، اگر سیاست در مذهب، دخالت کمتری اعمال کند، کاهش گرایش های مذهبی که امروز در میان نسل جوان شایع شده، از بین خواهد رفت. وی گفت منظور از این مساله تفکیک دین از سیاست نیست بلکه منظور دخالت نکردن سیاست در مذهب می باشد. وی در جایی دیگر اظهار داشت که، چنانچه سیاست با مذهب درآمیزد، قداست آن زایل می شود. به دنبال اظهارات معاون قوه قضائیه در مورد پرونده قتل های زنجیره ای، خانم شیرین عبادی در گفت و گو با ایسا گفت که، موکلین او یعنی پرستو و آرش فروهر و خود او بارها برای مطالعه پرونده به دادگاه مراجعه کرده اند اما تاکنون موفق به مطالعه این پرونده نگردیده اند. وی خواستار دادرسی علنی و شفاف این پرونده گردید. خانم شیرین عبادی گفت که باید جلسه رسیدگی علنی باشد تا مردم از حوادثی که در مملکت روی داده است با خبر شوند. ابراهیم شیخ، از اعضای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، در گفت و گو با ایسا گفت: «کسانی که دنبال این هستند که بعد از اتفاق روز یکشنبه عمر مجلس و اصلاحات را پایان یافته به شمار آورند و بگویند که دیگر امکانی برای اصلاح قوانین موجود نیست در حالی که مورد قانون مطبوعات یک مورد استثنایی بوده است و امیدواریم با توجه به توافقی که میان مجلس و رهبری وجود دارد، دیگر با چنین حوادثی روبه رو نشوم.»

■ روز چهارشنبه، روزنامه اطلاعات بین المللی، یکی از مطالب روزنامه کار و کارگر در مورد خصوص سازی را نقل کرده است که در آن با اشاره به شبانی که نزد متولیان امر در این مورد وجود دارد، می نویسد: «متأسفانه با اجرای خصوصی سازی در قالب برنامه های اول و دوم موسوم به سازندگی و فسادهای غیر قابل انکار شیوه های مرسوم در کشور اصرار شتاب زده مسئولین اقتصادی حکایت از این باور ذهنی در میان متولیان امر دارد که خصوصی سازی به سادگی رواج یک مد است و الا موج معکوسی که در عرصه جهانی و در کشورهایی که شیوه ای همچون ایران را در برخورد با این موضوع برگزیده اند، سخت جای تامل دارد.» مقاله با اشاره به اجرای سیاست هایی مغایر خصوصی سازی در

■ یک روز پس از اینکه ۱۶۱ نفر از نمایندگان مجلس، طی نامه بی خطاب به ملت گفتند که، به تعهد و سوگندی که در حفظ حقوق مردم ابراز داشته اند، وفادار می مانند، روز دوشنبه، روزنامه «جمهوری اسلامی»، خشمناک از این اقدام نمایندگان، در سر مقاله خود با عنوان کدام ملت؟ با عنوان کردن این مساله که، نمایندگان آن را امضاء نکرده اند و یک حزب خاص [منظور جبهه مشارکت] آن را تهیه کرده است، محتوای نامه را خلاف آن چیزی دانست که انتظار می رفت. «جمهوری اسلامی»، با این ادعا که مخاطب نامه هر چند به ظاهر ملت ایران است ولی ملت ایران مطیع اسلام و ولایت فقیه است و مجلس را صرفاً در همین جارحوب قبول دارد. این روزنامه، در پایان، با تهدید نمایندگان به اطاعت از ولی فقیه، هشدار داد چنانچه نمایندگان از جارحوب هایی که قانون اساسی مشخص کرده است، خارج شوند، صلاحیت حضور در مجلس را از دست می دهند. رسالت با عنوان رقابت سیاسی و مرزهای باید و نباید، با اشاره به یکی از شخصیت های باستانی چین و نقل قول از کتاب «هنر جنگ»، نوشت: «بسیارند لشکرهایی که نباید به آنها حمله کرد، شهرهایی که نباید به آنها هجوم برد، فرمان هایی که نباید به موقع اجرا گذاشت. فرمانده لایق، حساب شده به سوی جنگ می رود، نباید اجازه داد که میدان جنگ را دشمن تعیین کند.»

رسالت در ادامه، ضمن پراهمیت دادن به «نبايدها» در رویارویی های سیاسی، نوشت: «متأسفانه آنچه که در جالش جناح های سیاسی در ایران قابل مشاهده است، نادیده انگاری مرز «نبايدها» و حتی نشناختن ضرورت خودداری از تهاجم به این «نبايدها» است. منظور «رسالت» از «نبايد» در اینجا چیزی جز تکیه گاه محکم ارتجاع یعنی «ولایت فقیه» نیست. «حیات نو»، روزنامه باقی مانده طرفدار اصلاحات، ضمن اعتراف به مشکل جنبش، یعنی عدم سازمان دهی، در هراس از توده ها، نوشت: «مطالبات توده اجتماعی به مراتب گسترده تر و رادیکال تر، چه در حیط اهداف و چه در حیط روش های اصلاح طلبی است.» «حیات نو»، سپس با توجه به این واقعیت ها، نتیجه اقدامات مرتجعان در مقابله آشکار با خواست های مردم را پیدایش نوعی رادیکالیسم می داند که، در آن از کانال ارتباطی با هرم قدرت خبری نیست. در همین روز، ایرنا از قول معاون اول رئیس قوه قضائیه خبر داد که به زودی از برخی روزنامه های توقیف شده، رفع توقیف خواهد شد.

مروی، توقیف روزنامه ها را سیاست کلی قوه قضائیه ندانست و آن را ناشی از برداشت و استنباط متفاوت قضات دادگاه مطبوعات دانست. معاون قوه قضائیه نگفت که این چگونه استنباط متفاوتی است که در تمامی آنها تمام رای های صادره در مورد مطبوعات شبیه به همدیگر بوده است و رای صادره منجر به توقیف روزنامه گردیده است. مروی شایعه دستگیری بیش از یک صد نفر از خبرنگاران و نویسندگان و دستگیری تدریجی آنان را بشدت تکذیب کرد. این تکذیب در حالی صورت می گیرد که هر هفته تعداد زیادتری از

بعضی از کشورها، در پایان آورده است: «سئوال اینجاست که آیا باز هم قرار است همچون اجرای برنامه شکست خورده تعدیل اقتصادی، شاهد اجرای طرح از مد افتاده دیگری باشیم؟» احمد توکلی، در مصاحبه با ایسا، در تشریح ولایت مطلقه فقیه، گفت: «کلمه مطلقه به معنای آن نیست که ولی فقیه هر چه خواست انجام دهد. باید گفت که مطلقه در برابر مقیده است، یعنی ولی فقیه مقید به اصول از پیش تعیین شده نیست و اگر وقتی مصلحتی پیش آمد که اصول موجود جواب نداد، رهبر می تواند برای حفظ مصلحت دخالت کند و این عین دموکراسی است. وی افزود که این امر نه تنها در ایران، بلکه در سایر کشورهای دنیا از جمله در آمریکا نیز وجود دارد، یعنی چنین اختیاراتی به رئیس جمهور داده می شود تا اگر طبق قانون، امری ممنوع یا واجب شد، اما وی آن را خلاف مصلحت ملی تشخیص داد، از حق خود استفاده نماید و آن را وتو کند. یعنی رای یک نفر را برای دو مجلس کنگره و نمایندگان حاکم می کنند.» ذوب شدگان در ولایت که هر روز روزنامه های مترقی و نویسندگان و نیروهای مترقی را به بهانه های واهی رابطه با آمریکا و ارتباط با عوامل بیگانه و ترویج فرهنگ فاسد غربی به زندان می افکنند، استناد به چنین مواردی را چگونه می خواهند توجیه کنند؟ شیرزاد نماینده اصفهان در مجلس در یک گفت و گو با ایسا اعلام خطر کرد که فشار بر مجلس به منظور تاثیر گذاری بر آرای نمایندگان، چیزی جز بر سر شاخه نشستن و شاخه را از بین بردن نیست. وی گفت که ارکان «نظام» از هم جدا نیستند و اگر یکی از آنها فرو ریزد، ارکان دیگر هم فرو ریخته، بنای حکومت پایدار نمی ماند. ایسا از قول علی افشاری نوشت: «با توجه به توفان پس از انتخابات مجلس یعنی بازداشت ها و تعطیلی مطبوعات که فضای کشور را تا تشکیل و شروع به کار مجلس ششم بحرانی کرده بود، مجموعه دفتر تحکیم وحدت تصمیم به برگزاری نشست با حضور همه اعضای انجمن های اسلامی سراسر کشور گرفت تا بتواند فارغ از مسایل خرد و جزئی که در فضای کشور جریان دارد، استراتژی اش را تدوین کند.»

■ روزنامه رسالت، روز پنجشنبه، در نوشته بی از محمد کاظم انبار لویی به این سخن آغاجری که گفته بود، دین ایون توده است، می پردازد و می گوید: «سئوال ما این است که چه اصراری به حمله زودرس به دین و حکومت دینی دارید؟ فکر نمی کنید که مردم که اکنون مامور به سکوت هستند در برابر این اهانت منتظر اقدام مراجع قانونی می باشند، البته اگر مراجع قانونی اقدامی نکنند مردم ثابت کرده اند در انجام وظایف انقلابی و الهی خود کوتاهی نخواهند کرد.» در پی سخنان رضا استادی، مبنی بر اعلام عدم صلاحیت نمایندگان که التزام عملی به ولایت فقیه در طول دوره نمایندگی را نشان نمی دهند، حیات نو، از قول سید حسن الحسینی عضو شورای

ادامه نگاهی به رویدادهای ایران در هفته ای ...

مرکزی نیروهای خط امام گفت: «این حرکات را می توان در راستای خالی کردن نهادهای در اختیار اصلاح طلبان از ظرفیت های قانونی ارزیابی کرد. اینگونه کارها تا به حال نتیجه معکوس داده و به قوی شدن نهادهای اصلاح طلبان انجامیده است.» مجید انصاری نیز اظهار داشت که فرض خوشبینانه آن است که این اظهار نظر، دیدگاه شخصی ایشان تلقی شود. نماینده کنگاور اظهار داشت که، امروز طرز تفکری در پشت سر جریانات محافظه کار سنگر گرفته که به انحای مختلف سعی در تضعیف نهادهای منبعث از رای مردم دارد و هدف ناکارآمد کردن این نهادها است. جلالی پور در پی اظهارات معاون قوه قضائیه گفت: «اظهارات معاون اول رئیس قوه قضائیه بسیار خوب بود و ما نیز از این اظهارات استقبال می کنیم اما مساله این است که باید هر چه زودتر به این ادعاها عمل شود.

■ اعترافات مقامات آمریکایی و انتشار اسناد سازمان جاسوسی آمریکا «سیا»، در مورد دخالت داشتن آنها در کودتای ۲۸ مرداد، امسال سالگرد این واقعه شوم را چهره ای کاملاً متفاوت نسبت به سال های گذشته داده است. داریوش همایون، که هنوز رویای سلطنت ارباب خود رضا پهلوی را در سر می گذرانند، برای بزک کردن چهره کربیه سلطنت، روز جمعه ۲۸ مرداد، در یک گفت و گو با رادیو «آزادی»، این کودتای ننگین را یک حرکت خودجوش مردمی توصیف کرد.

■ احمد جنتی در نماز جمعه این هفته تهران، در ادامه تهدید و حمله به نمایندگان مجلس گفت: «جنانچه نمایندگان مجلس بخواهند طرخی را ارائه کنند که ضد اسلام و خلاف شرع باشد، حق وکالت مردم را نخواهند داشت.» وی ادامه داد: «وکالت نمایندگان مجلس شورای اسلامی نا محدود نیست که هر کاری دلشان بخواهند، بکنند.» علیرضا رجایی، در یک اجتماع دانشجویی گفت: «بحث اساسی امروز جامعه ما رویارویی اصلاحات با ضد اصلاحات نیست، بلکه بحث اساسی تقابل جنبش دموکراتیک و جنبش غیر دموکراتیک است.» وی همچنین از نبود یک استراتژی مشخص و واحد، فقدان تشکیلات و نبودن یک برنامه مرحله ای معین در میان اصلاح طلبان به عنوان آسیب های اصلی جنبش اصلاحات یاد کرد.

■ روزنامه حیات نو، شنبه از قول محمود دولت آبادی در یک سخنرانی به مناسبت هشتمین سالگرد انتشار نشریه «ایران فردا» نوشت: «وجه اشتراک من با این جمع، مقوله قلم است که از ضرورت های آن اصلاحات است که طی سه سال گذشته مردم را متوجه خود کرده است. مردم ما به این نتیجه رسیده اند که خون را با خون نشویند اما در مقابل انتظار دارند که قانون جدی تلقی شود.» وی گفت: «نمی توان از اصلاحات سخن گفت اما در عمل اجتماعی، مردم چیزی از آن به دست نیاورند.»

■ طرح ممنوعیت ورود نظامیان به دانشگاه در دستور کار جلسات علنی این هفته مجلس قرار گرفت و به تصویب رسید. بر اساس این طرح، ورود هر نوع نیروی نظامی و انتظامی به دانشگاه و موسسات آموزش عالی در سطح کشور ممنوع می شود.

■ نهضت آزادی با صدور اطلاعیه یی نسبت به بازداشت اخیر روزنامه نگاران و نویسندگان مطبوعات اعتراض کرد. شهر بانو اماتی، نماینده ارومیه در مجلس ششم گفت: «در پی انجام مذاکرات و گفتگو با برخی از مسئولان قوه قضائیه، احتمال رفع توقیف روزنامه های مشارکت، بهار و بیان وجود دارد. شهیدی معاون مطبوعاتی و تبلیغاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اعلام کرد با تعطیلی مطبوعات، تیراژ نشریات یک باره از سه میلیون نسخه به دو میلیون کاهش یافت که این خیلی بد است.

■ روز یکشنبه ۳۰ مرداد، ایرنا خبر داد که محمد خاتمی در یک گفت و گوی صریح رادیو تلویزیونی به تشریح دستاوردها، برنامه ها، دیدگاه ها و موانع و مشکلات دولت در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روابط خارجی و چشم اندازهای پیش روی آن پرداخت. وی در این مصاحبه صریح، در خصوص نحوه نظارت رئیس جمهور بر اجرای قانون اساسی، رعایت آزادی ها و حقوق اساسی مردم، وضعیت مطبوعات و چگونگی پیگیری ماجرای کوی دانشگاه و پرونده قتل های زنجیره ای، برنامه اقتصادی دولت، اشتغال، یارانه و بهبود وضع اقتصادی مردم سخن گفته است. هنوز مشروح این گفت و گو در جایی انتشار نیافته است اما قرار است در روزهای آینده از طریق صدا و سیما پخش گردد.

ادامه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توطئه ننگین ارتجاع و ...

شکل گرفته است و توده های مردم و رهبران آزادی خواه آنان، در راه این آرمان های انسانی، به میدان مبارزه گام نهاده اند، نیروهای ارتجاعی داخلی، با همکاری سازمان های امنیتی - اطلاعاتی بیگانگان و باندهای مافیای جهانی، برای حفظ منافع مالی و پایه های قدرت و ستم گری خود، دست به سرکوب و کشتار آنان زده اند. از انقلاب مشروطیت و کودتای خونین «محمد علی شاه» و به توب بستن مجلس شورای ملی در ۲ تیر ماه ۱۲۸۷ شمسی گرفته، تا جنبش قهرمانانه توده ای، برای ملی کردن نفت در دوران زنده یاد دکتر محمد مصدق و کودتای ننگین ۲۸ مرداد، و از انقلاب شکوهمند و مردمی بهمن ماه ۱۳۵۷ که سرانجام با دست های خون آلود واپس گرایان ضد مردمی، کلان سرمایه داران و دلالان بازار، قداره بندها و تروریست های ددمنش رژیم «ولایت مطلقه فقیه»، به انحراف و خاک و خون کشیده شد، تا کودتای «قانونی» سید علی خامنه ای، «ولی امر مسلمانان جهان»، در روز یکشنبه ۱۶ مرداد ماه ۱۳۷۹ و صدور «حکم حکومتی» مسخره و بی شرمانه او، برای مجلس شورای اسلامی، در انحلال حقوق انسانی مردم، سلب صلاحیت ملت ایران، در هرگونه حق دخالت در سرنوشت خود، و «محرومیت» و «ممنوعیت» از، آزادی اندیشه، بیان و قلم، و پایمال کردن حق نمایندگان منتخب مردم برای اصلاح طرح ضد مردمی «لایحه مطبوعات» و دفاع از آزادی های قانونی و طبیعی، برای ملت «ولایت فقیه» زده میهن ما! که محمد علی شاه و محمد رضا شاه یعنی «همان!» و «ولایت مطلقه فقیه» یعنی «همین»: استبداد مطلق! و گوش ها و دهان های بسته!

ریشه های اصلی شکست جنبش مردمی در کودتای ۲۸ مرداد کدامند؟

«سازمان های جاسوسی امپریالیستی که کودتای جنایت بار ۲۸ مرداد را به ثمر رساندند، بدرستی می دانستند که، تا وقتی اندیشه های انقلابی در میان خلق ریشه داشته و روح بیکار جویی در مردم زنده باشد، پیروزی آنان موقتی است. باید روح مردم را شکست و توده ها را نسبت به راهی که رفته اند، دچار تردید و بدبینی ساخت. باید آنچه را که می تواند مایه پیروزی آینده باشد، معیوب و مشکوک، جلوه گر ساخت ...» (تجربه ۲۸ مرداد، ف. م. جوانشیر).

هسته مرکزی دسیسه پردازی های ارتجاع و امپریالیسم عبارت بود از:

۱. شعله ور ساختن هر چه بیشتر آتش کمونیسم ستیزی و توده ای ستیزی؛

۲. دامن زدن به تفرقه، پراکندگی و چند پارچگی میان نیروهای آزادی خواه و انقلابی؛

در سندی که در مارس ۱۹۵۴ (۱۳۳۳ شمسی)، که دکتر داندان ویلبر، یکی از طراحان مهم سازمان جاسوسی (سیا) نوشته است، و در ۵ اکتبر ۱۹۹۷ (۱۳۷۶)، یعنی پس از ۴۴ سال از حادثه کودتای ۲۸ مرداد، از طبقه بندی در آرشیو سازمان سیا خارج شده است، و قسمت هایی از آن در روزنامه «نیویورک تایمز»، به تاریخ آوریل ۲۰۰۰ (۲۸ فروردین ۱۳۷۹)، به چاپ رسیده است، چنین آمده است:

«ماموران سیا، در سازمان دهی کودتای ایران، مستقیماً با افسران سلطنت طلب ایران فعالیت داشتند. جانشین نخست وزیر (دکتر مصدق) را برگزیدند (یعنی زاهدی را)، موجی از فرستادگان را نزد شاه گسیل داشتند تا به او اعتماد به نفس دهند و اراده اش را تقویت کنند. یک عملیات بمب گذاری را هدایت کردند که توسط ایرانی

ادامه در صفحه ۵

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه تشکیل ستاد بحران برای مقابله با جنبش ...

کارگری و سندیکایی عمیق مانده است، و در پرتو هوشیاری و شم طبقاتی زحمتکشان نهادهایی مانند خانه کارگر، حزب اسلامی کار، شوراهای اسلامی و غیره، افشا شده اند و به قول محبوب، «توان» خود را از دست داده اند. ژرفش جنبش کارگری - سندیکایی و گسترش کمی و کیفی آن طی چند سال گذشته، از مهم ترین کنش های رشد جنبش دموکراتیک و آزادی خواهانه سراسری به شمار می آید. رژیم ولایت فقیه از این امر به شدت در هراس است، زیرا نیک می داند اعتلای جنبش کارگری و استحکام درونی آن، مبارزات سراسری مردم میهن ما را به طور کیفی دگرگون می سازد. این واقعیت نیز روشن است که، پیوند میان این جنبش با دو جنبش دیگر، یعنی زنان و جوانان و دانشجویان، به منزله دور پایانی مبارزه بر ضد استبداد و ارتجاع و طرد رژیم ولایت فقیه است. درست بر اساس چنین ارزیابی هایی است که، مسئولان حکومتی، در شرایط حاضر، برای مقابله با مبارزات زحمتکشان «ستاد بحران» تشکیل داده اند. خبرگزاری فرانسه، در تاریخ ۹ تیرماه سال جاری خورشیدی، به نقل از دبیر کل خانه کارگر، برای نخستین بار، خبر تشکیل ستاد بحران بر ضد جنبش کارگری را منتشر ساخت. این خبرگزاری گزارش داد: «محبوب دبیر کل خانه کارگر، که یک تشکل دولتی است، اعلام داشت که، ستاد بحران که توسط وزارت اطلاعات تشکیل شده است، کار چندانی نتوانسته است، انجام دهد.»

تشکیل ستاد بحران، آن هم مستقیماً توسط وزارت اطلاعات، نشان گر این حقیقت است که، رژیم تا چه حدی از دامنه و نفوذ اجتماعی طبقه کارگر ایران واهمه دارد. در شرایط کنونی، موج گسترده اعتراضات، تمامی محیط های صنعتی و تولیدی را فرا گرفته است. عمده ترین خواست های این اعتراضات، تامین امنیت شغلی، پرداخت باموقع دستمزدها، جلوگیری از خصوصی سازی و افزایش سطح دستمزدها مطابق با نرخ واقعی تورم است. به علاوه، شایان ذکر است که، خواست ایجاد سندیکاهای کارگری به طور جدی در میان کارگران و زحمتکشان مطرح است. نیک توان با تشکیل ستاد بحران، تحت هدایت ارگان های امنیتی، طبقه کارگر را وادار ساخت تا از این حقوق بدیهی و طبیعی و حداقل خود چشم ببوشد. اصولاً توسل جستن رژیم به ارگان های امنیتی در مواجهه با اعتراضات کارگری، نشان دهنده سرشت کارگر ستیزان است.

اعتراضات کارگری بر بستر عینی شکل گرفته، و گسترش می یابد و به طور قطع ستاد بحران، و یا هر اقدام امنیتی دیگر، قادر به خنثی سازی آن در فضای پر تنش جامعه و فشار توده ای برای آزادی و عدالت اجتماعی، نخواهد بود.

بر پایه آماري که در اردیبهشت ماه سال جاری خورشیدی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی انتشار یافته است، خط فقر در ایران معادل ۱۸۷ هزار تومان تعیین گردیده است. هفته نامه امید جوان چاپ تهران به تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه ضمن درج این آمار بانک مرکزی، می افزاید: «اگر قرار باشد این رقم را پایه خط فقر فرض کنیم، با حقوق های فعلی، تمام کارگران و کارمندان زیر خط فقر قرار می گیرند.»

با توجه به چنین وضعیت غیر قابل تحملی است که، کارگران و زحمتکشان دست به مبارزه زده اند و خواستار تامین منافع صنفی، رفاهی و نیز سیاسی خودند. ستاد بحران وزارت اطلاعات، برای مقابله با مبارزات کارگری، زمانی توسط محبوب، این مهره سوخته و آبرو باخته رژیم مطرح می شود که، اعتصابات، راه پیمایی ها و مسدود ساختن جاده ها در خرداد و تیرماه امسال به اوج خود رسید.

روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۹ خرداد ماه، گزارش اعتصاب کارگران نساجی سمنان را منتشر کرد. این زحمتکشان از مرداد ماه سال گذشته دستمزدی دریافت نکرده اند، و خانواده های آنان در وضعیتی بسیار وخیم بسر می برند. به گزارش روزنامه کیهان، به تاریخ ۲۴ خرداد ماه، بیش از یکصد نفر از کارکنان شرکت خدماتی کیش، در اعتراض به تعویق افتادن حقوق خود، اعلام اعتصاب کردند و متحصن شدند. شرکت خدماتی منطقه آزاد کیش، در امور مربوط به شهرداری انجام وظیفه می کند. اغلب کارگران این شرکت، زحمتکشانی اند که از چهار گوشه کشور، با ترک خانه و خانواده و در جستجوی کار، به این جزیره آمده اند و استخدام موقت شده اند. وضعیت حقوق، مزایا و بهداشت و تغذیه این زحمتکشان فوق العاده اسف بار است.

در استان اردبیل، در اواخر خرداد ماه، صدها تن از کارگران و کارمندان شرکت برق اردبیل، در اعتراض بتعویق افتادن دستمزدهای خود، اعتصابی را سازمان دادند. همچنین کارکنان اداره کل راه و ترابری اردبیل، در اوایل تیرماه، دست به اعتصابی سازمان یافته زدند و خواستار تامین امنیت شغلی خود شدند. در مازندران، کارگران شرکت تخته سه لا سازی، که به مدت شش ماه حقوقی دریافت نکرده اند، در محوطه کارخانه تحصن کردند و اعلام داشتند در صورت عدم رسیدگی به خواست هایشان، جاده های اطراف شهر را مسدود خواهند کرد. روزنامه کار و کارگر، در تاریخ ۳۰ خرداد ماه، خبر اعتراضات گسترده و متشکل کارگران شرکت ملی شیمی کشاورزی، واقع در شهر صنعتی البرز، را درج

کرد. در کاشان، بیش از هزار کارگر زن و مرد از کارخانجات مختلف ریسندگی و بافندگی، با تعطیلی خط تولید، به طور دسته جمعی به راه پیمایی در سطح شهر پرداختند و در برابر ساختمان فرمانداری کاشان گرد هم آمدند. کارگران به روند خصوصی سازی و عدم پرداخت باموقع دستمزدها اعتراض کردند.

در شهر قزوین، کارگران شرکت فرش اکیاتان در مقابل استانداری این شهر گرد آمدند و مانع عبور و مرور وسایل نقلیه شدند. خواست اصلی این حرکت اعتراضی، پرداخت باموقع حقوق و مزایا و جلوگیری از اخراج کارگران بود. کارگران خواستار جلوگیری از خصوصی سازی این واحد تولیدی مهمند. همچنین روزنامه کار و کارگر، در تاریخ اول تیرماه، گزارش داد که، در استان خوزستان بخش مهمی از کارگران مدت هاست حقوقی دریافت نکرده اند. این روزنامه در این باره نوشت: «کارگران شاغل در برخی کارخانجات خوزستان بین ۳ تا ۹ ماه است از دریافت حقوق و مزایا محروم هستند.» در شهر یزد، کارگران شرکت ملی پودا آلیاژی به علت عدم دریافت باموقع دستمزدها و نبود امنیت شغلی، دست از کار کشیدند و اعتصابی را بر پا داشتند.

در شهر اصفهان، بیش از ۲۰۰ تن از کارگران کارخانه مهیا، که تولید کننده کولر و بخاری است، در اعتراض به عدم دریافت سه ماه حقوق خود، در برابر در کارخانه تحصن کردند. در کارخانه بافت ناز شهر اصفهان نیز، صدها کارگر با سازمان دهی اعتصابی در خیابان چهارباغ، دست به راه پیمایی زدند. در تاریخ ۴ تیرماه امسال، رسانه های همگانی خبر تجمع کارکنان شرکت جامکو را در مقابل ساختمان وزارت صنایع در تهران انتشار دادند. کارگران و کارمندان شرکت جامکو حدود یک سال است، حقوقی دریافت نکرده اند. یکی از نمایندگان کارکنان اعتصابی به خبرنگاران یادآور شد: «الآن حدود یک سال است که حقوق و مزایای ما پرداخت نشده، ۸-۹ ماه است که دفترچه بیمه بچه های ما اعتبار ندارد. به هر کجا مراجعه کردیم تا حالا کسی به ما جواب نداده، به دفتر وزیر نامه نوشتیم به ما جواب دادند که وزیر گفته بایگانی بشود.»

طی دو ماهه اخیر، یکی از مهم ترین اعتصابات، اعتصاب گروه صنعتی ملی است. کارگران قهرمان گروه صنعتی ملی، با سازمان دهی حرکات اعتراضی گوناگون خواستار تامین امنیت شغلی، پرداخت باموقع دستمزدها، ایجاد سندیکا های واقعی، افزایش حقوق مطابق نرخ واقعی تورم شدند. گروه صنعتی ملی، مجموعه بی عظیمی است که، واحدهای تولیدی متعددی را در بر می گیرد. ۳۰ شرکت تابعه در این مجموعه فعالند و نزدیک به ۸۰۰۰ نفر کارگر در بخش های مختلف آن به کار اشتغال دارند. روز ۴ تیرماه امسال، کارگران با برپایی اعتصابی سازمان یافته در جاده قدیم کرج تجمع کردند. روز بعد ۵ تیرماه کارگران با صوفی متحد و با همبستگی بی قابل تقدیر، جاده قدیم را مسدود کرده و مانع از تردد خودروهای سبک و سنگین شدند. روزنامه رسالت، در تاریخ ۷ تیرماه، گزارش داد، اعتراض کارگران گروه صنعتی ملی همچنان ادامه دارد. با گسترش اعتصاب این مجموعه بزرگ، محبوب طی مصاحبه بی با تلویزیون جمهوری اسلامی، اعتراف کرد: «تجمع کارگران شرکت کفش ملی به مسائلی که سال هاست در این کارخانه، حیات شغلی و امنیت شغلی کارگران را تهدید می کند، بر می گردد. کارگران، نگران امنیت شغلی خودشان هستند، ماه هاست که پرداخت حقوق بسیاری از کارکنان شرکت تابعه کفش ملی دچار اشکال اساسی شده و با تاخیر پرداخت می شود و یا اصلاً پرداخت نشده است. متأسفانه واردات بی رویه در صنعت کفش که، از طریق بنادر آزاد (مناطق آزاد تجاری) و به طور قاچاق صورت می گیرد، صنعت کفش کشور و به خصوص کفش ملی که بزرگ ترین تولید کننده این صنعت هست را با مخاطره و مشکل اساسی روبرو کرده است. در هفته اخیر و هفته گذشته دیگر اعتراضات در مجموعه گروه کفش ملی تقریباً جنبه عمومی و سراسری به خودش گرفته است» (صدا و سیمای جمهوری اسلامی، ۶ تیرماه ۷۹).

به گزارش روزنامه کار و کارگر، ۴ تیرماه، کارکنان و پرسنل بخش های مختلف بیمارستان و زایشگاه امین، با اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای دو ماهه خود از سوی مدیریت این بیمارستان، خواهان رسیدگی مسئولان ذیربط به موضوع حقوق عقب افتاده خود گردیدند. در بین پرسنل زحمتکش این بیمارستان، زنانی وجود دارند که نان آور خانواده های خویشند. یکی از پرستاران اظهار داشته است که، اگر قانون به کارفرما حق داده است که حقوق کارگران را پرداخت نکند، پس چرا ما نباید حق اعتراض و ترک کار داشته باشیم؟ آیا قانون فقط برای کارفرمایان نوشته شده است؟ روز سه شنبه، ۷ تیرماه، بیش از ۳۰۰ تن از کارگران کارخانه کامراد قم، که تولید کننده «شیرهای آب» است، پس از هشدارهای مکرر، در اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزدهایشان، ضمن تحصن، اعتصاب غذا کردند. به گفته یکی از نمایندگان کارگران اعتصابی، مدیریت کارخانه کامراد نزدیک به دو سال است که، حقوق کارگران را پرداخت نکرده است.

کار و کارگر، ۱۱ تیرماه، خبر تجمع اعتراض آمیز چندین باره کارگران «فراسا»، در شهرستان ساوجبلاغ، را به دلیل عدم دریافت حقوق ۴ ماه گذشته خود، به چاپ رسانده است. این واحد تولیدی، که قبلاً دارای ۹۲۰ کارگر بود، در پی واگذاری به بانک صنعت و معدن، و با اخراج نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارگران، تعداد کسانی را که در این واحد تولیدی مشغول به کار بودند به ۴۲۰ نفر تقلیل داد. با توجه به

ادامه تشکیل ستاد بحران برای مقابله با جنبش ...

وضعیت مشابه چند سال پیش، بیم آن می رود، تعداد زیادی دیگر از کارگران نیز به همان سرنوشت دچار شوند.

کار و کارگر، ۱۳ تیرماه، اظهارات کارگران معادن و شرکت های شهرستان طیس را چاپ کرده، که در آن کارگران، نگرانی خود را از روند رو به افزایش قراردادهای موقت ابراز داشته اند. به عقیده کارگران، کارفرمایان با سوء استفاده از این مقررات، با کارگران بسان برده رفتار می کنند. واگذاری شرکت ملی فولاد ایران به بخش خصوصی، که پیامدهای آن بیکار شدن کارگران خواهد بود، از دیگر دغدغه های کارگران عنوان گردیده است.

به گزارش کیهان، ۱۳ تیرماه، بیش از ۳۰۰ تن از خبازان و کارگران نانوايي های اصفهان، در یک تجمع اعتراض آمیز، خواستار افزایش حقوق خود شدند. این تجمع، که رويه روی استانداری استان اصفهان صورت گرفت، مسئول انجمن صنفی کارگران نانوايي های استان اصفهان طی سخنانی گفت: «اسفند ماه گذشته طبق مصوبه شورای عالی کشور و هیات وزیران، دستمزد کارگران ۱۸۵ درصد افزایش یافت ولی تاکنون این افزایش در مورد نانواييها که مشمول قانون کار می باشند، اعمال نشده است.» یک شاطر با سابقه ۲۷ سال کار در این اجتماع گفت: «سال ۵۹ هر عدد نان ۶ ریال بود و برای پخت ۱۰۰ عدد نان ۱۲ تومان می گرفتم ولی الآن با وجود مخارج کمر شکن هزینه های زندگی برای هر ۱۰۰ عدد نان ۹۵ تومان می گیرم، از طرفی وضعیت سخت کاری باعث شده که توان گذشته را از دست بدهم.»

کار و کارگر، ۱۵ تیرماه، طی گزارشی، خبر بلاتکلیفی کارگران صنایع استیل ایران در ابهر و خرمدره، را به چاپ رسانده است و گزارش داده است که کارگران این واحد تولیدی، با تجمع در محل خانه کارگر خرمدره، با نگرانی از وضعیت فعلی خود، خواستار جلوگیری از اخراج و بیکاری خود شدند. در اواخر تیرماه، در یک اقدام اعتراضی دیگر در مقابل استانداری اصفهان، کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی واقع در شهرک صنعتی مورچه خورت اصفهان به علت تعطیلی این شرکت و عدم دریافت هشت ماه حقوق و دو ماه پاداش خود، خواستار تعیین تکلیف در زمینه پرداخت حقوق عقب افتاده خود شدند. بیشتر کارگران این واحد تولیدی، دارای سابقه کاری بیشتر از ۲۵ سال اند.

به گزارش ایسنا ۲۸ تیرماه، کارگران کارخانه ها و شرکت های کابل سازی ایران در گفتگو با این خبرگزاری اظهار داشتند: «نا امنی شغلی بزرگترین مشکلی است که این روزها کارگران را تهدید می کند، زیرا بسیاری از کارخانه ها و شرکت ها در کشور و حتی در استان قزوین که در وضعیت مطلوبی بودند و تولیدات خوب هم داشتند، تعطیل شده و تمامی کارگران آنها بیکار شدند، در حال حاضر نیز زمزمه هایی در باره انحلال شرکت کابل البرز نیز وجود دارد.»

کیهان، ۲۸ تیرماه، خبر اعتراض و اعتصاب گسترده نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارگران شرکت معدن سنگ مرکزی ایران- باقر را داد. بنا بر همین گزارش، در این اعتصاب، که به مدت چندین روز متوالی همچنان ادامه داشت، کارگران خواستار رسمی شدن کارگران قرار دادی و جلوگیری از خصوصی سازی این شرکت شدند. کارگران اعلام داشتند که، به علت تحقق نیافتن خواست هایشان از طرف دست اندرکاران، تا تحقق خواست های خویش به این اعتصاب و اعتراض ادامه خواهند داد. کار و کارگر، اول مرداد ماه، در یک گزارش دیگر اعلام کرد که، واحد تولیدی ریسندگی نخ امیدان در زنجان با بیش از بیست سال سابقه کار به دلایل نامعلومی تعطیل شد و کارگران آن سرگردان شدند. با این وضعیت کارگرانی که در این واحد تولیدی با تحمل مشکلات و مشقات عمر خود را در این راه صرف کرده اند و می بایست تاکنون بازنشسته می شدند، تازه در شهر آواره گشته اند.

دقیقا همین امر، یعنی جنبه عمومی و سراسری گرفتن اعتصابات کارگری، و نیز ناتوانی نهادهای وابسته به رژیم در مهار آن است که وزارت اطلاعات را به تشکیل ستاد بحران پوی مقابله با جنبش رو به گسترش کارگری واداشته است.

وظایف این ستاد بحران از جمله عبارت است از: مهار اعتصابات، خنثی سازی هرگونه تشکل مستقل، منحرف کردن حرکات اعتراضی، شکار و شناسایی فعالان کارگری، جلوگیری از شکل گیری هرگونه هسته و محفل کارگری، جلوگیری از تاثیر اجتماعی جنبش کارگری بر جنبش سراسری، بدین منظور صدا و سیماي جمهوری اسلامی، به دستور وزارت اطلاعات، برخی از اعتراضات کارگری را پخش می کند و با انجام مصاحبه با اشخاصی مانند محبوب، کمالی و دیگران، دامنه حمایت اجتماعی از اعتصابات کارگری را محدود می کند. در عین حال، تبلیغات دروغین بر ضد حزب توده ایران در محیط های کارگری افزایش قابل توجه و چشم گیری یافته است. در شرایط کنونی، وظیفه عاجل فعالان کارگری و مبارزان توده ای، حفظ هوشیاری، و افشاء توطئه ها و ترفندهای ارگان های امنیتی رژیم است. پر واضح است که وظیفه خطیر، ارتقاء سطح سازمان دهی جنبش کارگری- سندیکایی، کماکان اولویت نخست و تاخیر ناپذیر قلمداد می شود.

کارگران و زحمتکشان به تجربه و در جریان زندگی روزمره، به این نتیجه می رسند که، بدون وحدت و تشکیلات قادر به تامین منافع خود نخواهند بود. وحدت و تشکیلات، سلاح موثر و کارآمد در بیکار برای طرد رژیم ولایت فقیه و تحقق خواست های صنفی و سیاسی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است.

ادامه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توطئه ننگین ارتجاع و ...

هایی انجام شد که خود را اعضای حزب کمونیست (توده) وانمود می کردند و مقالات و کاریکاتورهایی را در روزنامه ها، جا می دادند» (روزنامه «هم میهن»، ۳۰ فروردین ۱۳۷۹).

و آن دبلیو دالس، رئیس سیا، در چهار آوریل ۱۹۵۳ (۱۳۳۲)، با یک میلیون دلار هزینه، با هر روشی که بتواند سقوط مصدق را موجب بشود موافقت کرد. «هدف به قدرت رساندن دولتی بود که بتواند به یک راه حل معقول در مورد نفت برسد. ایران را قادر سازد از لحاظ اقتصادی با ثبات و از لحاظ مالی قادر به پرداخت بدهی هایش شود و بتواند حزب کمونیست را که به نحو خطرناکی قوی است، مورد تعقیب شدید قرار دهد» (روزنامه «هم میهن»، ۳۰ فروردین ۱۳۷۹).

این سند تاریخی افشا می کند که، ۲ روز بعد از کودتا، ماموران سیا، ۵ میلیون دلار به ایران سرازیر می کنند تا به تحکیم قدرت حکومتی که خود مستقر کرده بودند، کمک کنند» (روزنامه «هم میهن»، ۳۰ فروردین ۱۳۷۹).

این دامن زدن به ناآرامی ها، پیش از کودتای ۲۸ مرداد، توسط جاسوسان «سیا» و «اینتلجنس سرویس» و مزدوران داخلی مانند: شاه، زاهدی ها، رشیدیان ها و سرمایه داران و زمینداران بزرگ، آیا شباهتی کامل با ناآرامی ها و تشنج آفرینی ها و بحران سازی های مزدوران ذوب در رژیم «مطلقه سید علی خامنه ای»، یعنی امثال: عسگر اولادی ها، خاموشی ها، جنتی ها، رفسنجانی ها، محسن رضایی ها، ناطق نوری ها، محمد یزدی ها و مصباح یزدی ها، لاریجانی ها، ده نمکی ها و اله کرم ها و دیگر کوتوله های ناقص الخلقه «دربار آریامهری»، «ولایت مطلقه فقیه» و تاریک خانه اشباح» ندارد؟ و آیا از همان فرمول های از پیش ساخته ای که توسط ماموران «سیا» و «اینتلجنس سرویس»، «موساد» و دیگر باندهای مافیایی بسته بندی شده است، استفاده نمی کنند؟

۲۸ مرداد ۱۳۳۲، لکه ننگینی در تاریخ میهن ماست. کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، به دلیل عدم اتحاد عمل نیروهای مدافع جنبش ملی و مردمی، به دلیل بدبینی های کور، و به دلیل خیانت جمعی که خود را در صفوف جنبش جا زده بودند، موفق شد نهضت ملی ایران را با شکست روبه رو کند و ایران را از حرکت در جاده ترقی و دموکراسی باز دارد. ۲۸ مرداد، در عین حال، آزمون تاریخی مهمی پیرامون نقش و ماهیت نیروهای گوناگون شرکت کننده در انقلاب بود. در حالی که امروز مزدوران «ولی فقیه» همچون جنتی، در نماز جمعه تهران مدعی اند که کاشانی بود که نهضت ملی را آغاز کرد و به دلیل خیانت نیروهای ملی و کمونیست جنبش با شکست روبه رو شد، واقعیت تاریخی این است که این کاشانی بود که پس از ۲۸ مرداد ۳۲ به دست بوس، محمد رضا شاه رفت، و این توده ای ها بودند که در مقابل جوخه های اعدام قرار گرفتند. ۲۸ مرداد نشان داد که بدون اتحاد عمل، برنامه مشخص و رهبری مصمم و پیگیر حتی نیرومند ترین جنبش های مردمی نیز می توانند سرکوب شوند. تجربه بی که، درس گیری از آن در اوضاع بسیار حساس و پر التهاب کشور، و در حالی که ارتجاع مصمم است جنبش اصلاح طلبی در ایران را با شکست روبه رو کند، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

۴۷ سال پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، امروز جایگاه کسانی همچون محمد رضا، شعبان بی مخ ها و زاهدی و مأموران سیا، در موزه جنایتکاران تاریخ است، و خاطره دلاورانی همچون سیامک ها، میشری ها، و کیلی ها، وارطان ها، روزبه ها و فاطمی ها در قلب تاریخ مردم و میهن ما به عنوان اسطوره های جاوید مبارزات این خاک و بوم ثبت است. این نیز درسی است که باید سید علی خامنه ای و شرکا از آن عبرت بگیرند.

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ...

کوچکترین اطلاعاتی در باره اینکه بر سر این عزیزان چه آمده است، به خانواده های آنان نداده است. سکوت قبرستانی حاکم در این زمینه یکی از بسترهای مهم ادامه حاکمیت جنایتکاران و ادامه جنایت های سیاسی در میهن ماست. امروز دیگر اسناد و شواهد انکار ناپذیری در دست است که اثبات کند همان اهرم های قدرتی که فرمان کشتار زندانیان سیاسی را در تابستان شوم ۱۳۶۷ صادر کردند، در سال های پس از آن فرمان های دیگری را برای قتل دگرانديشان چه در داخل و چه خارج از کشور صادر کردند و بی شک قتل های زنجیره ای فروهرها، مختاری ها، پوینده ها و شریف ها نیز آخرین آنها نخواهد بود. سکوت درباره این جنایت، یعنی تن دادن به دستگاه قضایی و «قضای» که خود سازمان ده و مجری جنایت و بیداد است و امروز همان «قاضی» های مرگ، جنایتکارانی همچون مرتضوی ها و شرکای او، این چنین بی پروا و بی هراس، با تکیه بر «قانون» و «امر ولی فقیه»، روزنامه نگاران مدافع اصلاحات را به اوین می فرستند تا زمانی که اوضاع مناسب تر باشد و باز بتوانند، همان فاجعه کشتار دگرانديشان را تکرار کنند.

جنبش مردمی، و خصوصاً کسانی که امروز پرچم دفاع از اصلاحات و مبارزه در راه آزادی و جامعه مدنی در میهن ما هستند، نمی توانند درباره این جنایت هولناک سکوت کنند. ضرورت رسیدگی رسمی به آنچه که در زندان های رژیم در دهه ۱۳۶۰ گذشته است، بخش جدا ناپذیری از رسیدگی به ریشه های دیگر قتل های سیاسی، و از جمله آخرین نمونه آنها، در دو سال گذشته، یعنی قتل های زنجیره ای است. تشدید فشار برای باز کردن پرونده این جنایت و روشن شدن ابعاد آن، بی شک نقش مهم و تعیین کننده بی برای مبارزه بی که امروز در راه آزادی در میهن ما جریان دارد، خواهد داشت و پیروزی در این راه می تواند زمینه ساز ایجاد امنیت واقعی برای مردم و آزادی اندیشه در میهن ما باشد.

هم میهنان گرامی!

حزب ما، در جریان این فاجعه ملی، بیش از سیصد تن از رهبران، کادرهای برجسته و اعضای و هواداران خود را از دست داد. در میان این دلاوران خاموش خلق، شماری از اسطوره های پایداری، دوران ستم شاهی، کسانی که بیش از بیست و پنج سال از عمر خود را در زندان های رژیم شاه سپری کرده بودند، و تعدادی از برجسته ترین متفکران، روشنفکران، نویسندگان، مترجمان، هنرمندان، افسران شجاع نیروهای مسلح، و مبارزان سیاسی، سندیکالیست های مبارز و نمایندگان کارگران و زحمتکشان به چشم می خوردند. حزب ما، وظیفه انسانی و انقلابی خود می داند که، همچنان پیگیرانه در راه افشای این جنایت هولناک، و سیمای کربه جنایتکارانی که آن را سازمان دهی کردند، به مبارزه خود ادامه دهد. امروز، به دلیل حضور قدرتمند جنبش مردمی، که میلیون ها انسان شریف و آزادی خواه را در صفوف خود داده است، اوضاع مناسبی برای پایان دادن به سکوت دوازده ساله رژیم «ولایت فقیه» در میهن ما پدید آمده است. امروز خواست رسیدگی به این جنایت، همچون رسیدگی به پرونده قتل های زنجیره ای و رسیدگی به پرونده جنایتکاران مهاجم به کوی دانشگاه تهران، و همچنین خواست آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران باید به یکی از محورهای مطالباتی اساسی جنبش بدل شود. باقی گذاردن چنین استخوانی در زخم عمیقی با ابعاد فاجعه ای ملی آمیدی به خشک شدن چشمه های خشونت و ترور در میهن ما باقی نمی گذارد. باید در انتظار فجایع دردناک دیگری نشست. بی شک، دیر یا زود، زمان رسیدگی به این جنایات هولناک و دادخواهی هزاران خانواده مظلوم و زجر دیده فرا خواهد رسید ولی وظیفه انسانی تک تک ما و همه کسانی که مدعی دفاع از آزادی، مدنیت و ارج گذاردن به شرف و حیثیت انسان هاینند این است که تمام تلاش خود را برای تسریع این روند به کار گیرند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱ شهریور ماه ۱۳۷۹

ادامه اکو سازمانی با آینده بی مبهم

گیری یافته است. بیشترین کاهش صادرات به جمهوری آذربایجان مربوط است که، از ۱۲۰/۳ میلیون دلار در سال ۱۳۷۷ به ۵۷/۱ میلیون دلار در سال ۱۳۷۸ تنزل پیدا کرده است. در سال گذشته کل صادرات ایران به سه کشور پاکستان، قرقیزستان و افغانستان از ۷ میلیون دلار فراتر نرفت!! در آمار مرکز گمرک ایران همچنین اعلام می شود که، ایران بیشترین کالاهای خود را در بین کشورهای عضو اکو، از ترکیه وارد می کند. مطابق آمار منتشره، ترکیه با صدور ۱۶۲/۴ میلیون دلار کالا به ایران در سال ۱۳۷۸، در رده اول صادرکنندگان کالا به ایران قرار دارد و پس از آن، کشورهای قزاقستان با ۶۲/۴ و جمهوری آذربایجان با ۱۶/۴ میلیون دلار در رده های دوم و سوم جای دارند. تراز بازرگانی ایران با کشورهای عضو اکو در سال ۱۳۷۷ به میزان ۶۴/۶ میلیون دلار مازاد نشان می دهد که این رقم در سال ۱۳۷۸ به ۱۶۳/۶ میلیون دلار افزایش یافت. تراز بازرگانی ایران به استثنای ترکیه و قزاقستان، با دیگر کشورهای عضو اکو مثبت است. در ارزیابی این آمار باید به کیفیت واردات و صادرات بین ایران و «هم پیمانان» خود در اکو و اثر آن در اقتصاد کشور نیز توجه داشت. در این باره باید اذعان داشت که ترکیه با صدور هزاران تن کالای بنجل و غیر استاندارد به ایران، توانسته است تراز بازرگانی با میهن ما را به زیان ایران و به سود خود مثبت نگه دارد. به علاوه ترکیه در روابط بازرگانی و اقتصادی خود با جمهوری آذربایجان نیز، موفق گردیده است سودهای هنگفت به چنگ بیاورد. رقم بدهکاری جمهوری آذربایجان به بانک های خصوصی ترکیه سر به ده ها میلیون دلار می زند، و روابط ترکیه با این کشور بشدت یک طرفه و به زیان جمهوری آذربایجان است. این روابط موجب اختلالی بزرگ در اقتصاد جمهوری آذربایجان شده است و بحران مالی و رکود بی سابقه بی را پدید آورده است.

آمار رسمی فوق نشان می دهند که، مجموعه روابط بین کشورهای عضو اکو، در سطحی نیست که بتوان بر آن نام همکاری های گسترده و موثر منطقه ای را نهاد. اکو بدلیل فقدان بنیان اصولی تعریف شده ای از نظر اقتصادی، کماکان اسیر تنش های سیاسی، رقابت های ناسالم و مناقشات پیچیده منطقه ای است. ششمین نشست سران در تهران نیز نتوانست، تغییری در این وضعیت پدید آورد، و از این رو دستاورد محسوس و برجسته ای در پی نداشت. خرازی وزیر خارجه دولت جمهوری اسلامی، طی سخنانی در جلسه شورای وزیران کشورهای عضو اکو، که روز پنجشنبه ۱۹ خرداد ماه برگزار گردید، در همین خصوص اعتراف کرد: «اکو مسایل زیادی را در پیش دارد که رفع آنها جز با اراده سیاسی و خواست دولت ها و همفکری آنها در یک فضای سرشار از وحدت و تفاهم که لازمه تقویت همکاری های منطقه ای است، امکان پذیر نخواهد بود.» مهم ترین موضوعات نشست تهران عبارت بودند از، نفت و گاز و مسیر انتقال آن، و نیز حمل و نقل زمینی - هوایی و دریایی که، تصمیم گیری راجع به این موضوعات پر اهمیت می توانست گره کور روابط در اکو را بگشاید، اما مساله همچنان لاینحل باقی ماند. در این نشست، رحیم گواهی از سوی جمهوری اسلامی برای سمت دبیر کلی معرفی و انتخاب گردید.

در پایان اجلاس، اعلامیه بی که به اعلامیه تهران مشهور شد، انتشار یافت، که از جمله در آن تصریح گردیده است: «جهانی شدن نباید به شکاف میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بیانجامد و اعضای اکو باید در این زمینه با هم به همکاری و هماهنگی بپردازند.» در اعلامیه تهران، همچنین بر همکاری اکو با سازمان های بین المللی مانند، سازمان تجارت جهانی، مرکز بین المللی تجارت، کنفرانس بین المللی توسعه و بانک توسعه اسلامی تاکید شده است. سرانجام با صدور این اعلامیه نشست رهبران اکو در تهران پایان یافت، بدون اینکه اکو، هیچ گام عملی در راه تحرک بخشیدن بر همکاری های اقتصادی در منطقه برداشته باشد. نشست تهران، یک بار دیگر بحران هویت اکو به عنوان یک پیمان منطقه ای را به وضوح آشکار کرد.

نامزد های کسالت آور

بد نبال هیاهوی انتخاباتی ریاست جمهوری، در ایالات متحده آمریکا، فیدل کاسترو رهبر دولت انقلابی کوبا، در سخنرانی در ایالت «دل ریو»، ضمن رد صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا، به ویژه جورج دبلیو بوش، «انتخاب او را بزرگ ترین بی‌مزرگی و کسالت تاریخی» خواند. کاسترو طی پیامی به «بوش» گفت که، کوبا در برابر طرح های «برهکاران» و نقشه های احتمالی قتل سران دولت کوبا، مقاومت و پایداری خواهد کرد، و خطاب به بوش اضافه کرد: «جناب آقای بوش، در مقام یک دشمن صادق به شما نصیحت می‌کنم که، به عنوان رئیس جمهوری دهمین دوره ریاست جمهوری آمریکا پس از پیروزی انقلاب کوبا، این ریسک را نپذیرید که وقت خود را در انتظار ی بیهوده و تلخ و بی ثمر (برای شکست کوبا) سپری کنی. انقلاب کوبا به زانو در نخواهد آمد، تسلیم نمی‌شود و نمی‌توان آن را نابود کرد.» «من به خوبی مطلع هستم که شما به نزدیکان و دوستان واسطه خود در سازمان مافیایی کوبا- آمریکا گفته اید که از طریق متدهای نامشخصی که، CIA برای قتل رهبران کشورتان استفاده کرده است، می‌توانید مساله کوبا را به سادگی حل کنید.» کاسترو در ادامه گفت: «هر دو کاندیدای ریاست جمهوری، در مقایسه با رئیس جمهوری فعلی، فاقد خصایص و کارایی او در مسایل اجتماعی، و درایت و هوش او هستند... ما هرگز تا به این اندازه شخصیت هایی خسته کننده و کسالت آور به مانند این دو کاندیدای رهبری ابر قدرت مسلط جهان نداشته ایم.» کاسترو در پایان، ضمن اظهار تاسف از نفوذ نیروهای تروریستی دست راستی در حزب جمهوری خواه، از جمله دو قانون گذار کوبایی- آمریکایی در فلوریدا، به نام های «ایلناروس- له تین» و «لینکلن دیاز» گفت: «هر کس در انتخابات ۷ نوامبر پیروز شود، قدرتی بیش از امپراتور رم در عهد باستان خواهد داشت، او تعیین کننده جنگ و صلح در جهان خواهد بود.»

نگاهی به رویدادهای جهان

در هفته ای که گذشت

یعنی آنچه که می‌تواند روند صلح و ثبات منطقه را به مخاطره بیندازد. طبق برنامه اعلام شده، قرار است مذاکرات صلح در اواسط شهریورماه، با حضور و میانجی گری ایالات متحده، دوباره از سر گرفته شود.

استراتژی جهانی آمریکا

متخصصان نظامی چین، در روز ۲۶ مرداد ماه، اظهار نگرانی کردند که، دلیل واشنگتن برای ساختمان یک سیستم دفاعی موشکی، در «اساس» حفظ کنترل بر چین و روسیه است. یک هیئت، آکادمی علوم نظامی ارتش آزادی بخش خلق چین همچنین گفت که، این طرح بخشی از استراتژی آمریکا برای تسلط بر جهان است: «استراتژی جهانی آمریکا در اروپا مهار قدرت گیری و احیاء روسیه، مهار رشد چین و حفظ برتری ایالات متحده در جهان است.» یک مقام برجسته آکادمی علوم نظامی چین، آقای لئو یوان، گفت که، قرار گرفتن تایوان در زیر چتر حمایتی این دفاع موشکی، عملاً یک اتحادیه نظامی میان آمریکا و این کشور ایجاد می‌کند. او به اثرات منفی چنین بدیده بی بر روابط چین و آمریکا اشاره کرد، و گفت: «هیچ دلیلی برای برخورد نظامی میان چین و ایالات متحده نیست، مگر مورد تایوان.» او با تکرار اخطار چین که، ساختمان این سیستم یک مسابقه تسلیحاتی جهانی جدید را موجب خواهد شد، اضافه کرد: «در پنج سالی که استقرار این سیستم طول خواهد کشید، کشور های مورد تهدید سلاح های تهاجمی بیشتری را تولید خواهند کرد و این ایمنی بیشتری برای ایالات متحده ایجاد نخواهد کرد.»

خجگان استراتژیست نظامی چین ادعاهای آمریکا را مبنی بر اینکه هدف پروژه های جنگ ستارگان، حفاظت از آمریکا و متحدان آن در آسیا در مقابله با موشک هایی است که از سوی ایران، عراق و یا کره شمالی شلیک خواهد شد، بوج شمرند و گفتند: «چنین عذرهایی هیچ کس را قانع نمی‌کند.»

سایه جنگ بر آسیای مرکزی

سران سه کشور آسیای مرکزی در روز ۲۵ مرداد ماه اعلام کردند که، برای «نابود کردن» شورشیان مسلمان، که پس از نفوذ از مرزهای آنها در برخورد های نظامی تلفات وسیعی را به بار آورده اند، نیروهای خود را متحد می‌کنند. در طول یک هفته جنگ در مناطق کوهستانی قرقیزستان و ازبکستان، دهها تن از نیروی دولتی و چریک مسلمان کشته شده اند. چریک های شورشی وابسته به جنبش اسلامی ازبکستان اند که با اسلام کریم اوف، رئیس جمهوری ازبکستان، مخالفند و هدفشان تاسیس حکومتی بر مبنای قوانین اسلام است. پایگاه های اصلی این جنبش در تاجیکستان، که در سال های اخیر درگیر جنگ داخلی بوده است، قرار دارد. دبیر شورای امنیت قرقیزستان، بولوت ژانوزاکوف، گفت که دولت های ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان تلاش خواهند کرد تا به اقدامات چریک های شورشی برای ایجاد عدم ثبات در منطقه پایان دهند. او گفت: «با نیروهای مشترکمان، ما چریک ها را نابود خواهیم کرد و اقداماتی را اتخاذ خواهیم کرد تا آنها را هر کجا که جمع شوند نابود کنیم.» او گفت که عملیات مشترک طراحی شده توسط سه کشور معرف یک استراتژی جدید است. به عوض تعقیب چریک های شورشی از قلمرو خودشان، آن گونه که قرقیزستان سال قبل عمل کرد، اکنون این نظر مطرح است که «قلمرو کشورهای مستقل مشترک المنافع را از حضور آنها پاک کنیم.»

سلب مصونیت سیاسی از پینوشه

دادگاه عالی شیلی، در روز دو شنبه ۱۷ مرداد، مصونیت سیاسی پینوشه، دیکتاتور سابق شیلی را لغو کرد. دادگاه عالی این کشور با آراء ۱۴ به ۶ این حکم را صادر کرد. طبق این حکم

به هیچ وجه نمی‌توان بر ضد تصمیم فوق اعتراض کرد و دادخواست جدیدی را ارائه داد. در حال حاضر بیش از یکصد و پنجاه شکایت بر ضد پینوشه به دادگاه های کشور رسیده است که موارد شکایت قتل، شکنجه و مفقودالایر شدن است. پینوشه در سال ۱۹۷۳ بدنبال یک کوتای خونین، که از پشتیبانی کامل آمریکا برخوردار بود، دولت منتخب و سوسیالیستی «سالوادور آلنده» را ساقط کرد و قدرت را به دست گرفت.

طبق آمار دولتی، هزاران نفر در دوران حکومت پینوشه یا به قتل رسیدند و یا مفقودالایر شدند، حکومتی که تا سال ۱۹۹۰ بطول انجامید. سلب مصونیت سیاسی از پینوشه، پیروزی بزرگی برای مردم شیلی به حساب می‌آید، پیروزی بی که با آن میتوان از سوی پینوشه را به میز محاکمه کشاند و با افشای هرچه بیشتر جنایت های او، وی را با خفت و خواری به معجز و لابه انداخت، و درس عبرتی به دیگر جنایت کاران داد و گفت که، ظلم هر چند که می‌تواند بسیاری را به خاک و خون بکشد، اما هرگز پایدار نخواهد ماند و امواج عدالت خواهی همه ستمگران را در زیر خروش سهمگین خود له خواهد کرد و مانند تقاله بی در گذرگاه تاریخ انسانی باقی خواهد گذاشت، و از سوی دیگر، این پیروزی نوعی تسلی برای قربانیان رژیم استبداد و خانواده های آنها خواهد بود.

کلمبیا

در پی تصویب کمک های نظامی و مالی به دولت کلمبیا توسط کنگره آمریکا، متخصصین نظامی این کشور وارد کلمبیا شدند. هدف این متخصصین، آموزش ارتش کلمبیا برای مقابله با نیروهای مسلح مخالف است. همچنین قرار است که سلاح جدید نیز در اختیار ارتش کلمبیا قرار بگیرد. در یک سال گذشته، مذاکرات صلح گسترده ای بین دولت و نیروهای مخالف رژیم، بویژه «ارتش آزادی بخش انقلابی خلق کلمبیا»، FARC، و «ارتش آزادی بخش کلمبیا»، ELN، صورت گرفته است، که موفقیت زیادی در آنها بدست نیامده است. دامنه فعالیت های مبارزاتی و نفوذ نیروهای مخاف رژیم بسرعت رو به گسترش است، و این موضوع دولت کلمبیا را وادار کرده است تا با ایجاد گروه های مرگ و تجهیز هرچه مدرن تر ارتش به مقابله با آنها بپردازد. ایالات متحده تحت نام مبارزه با مواد مخدر، قرار است تا یک میلیارد و سیصد میلیون دلار به ارتش این کشور کمک کند تا بتواند تهاجم روزافزون نیروهای FARC و ELN را به عقب بنشاند. رییس جمهوری کلمبیا «آندرس پاسترانا» پس از تصویب کمک های آمریکا، خطاب به نیروهای FARC گفت که آنها بزودی با «دستی آهین» روبه رو خواهند شد، و دولت بطور یقین در این جنگ پیروز خواهد شد.

آغاز مجدد مذاکرات صلح در خاورمیانه

پارلمان اسرائیل در روز ۱۷ مرداد ماه، به طرح جدید صلح میان اسرائیل و فلسطین رای داد. مفاد طرح جدید، و اینکه تا چه حد می‌تواند به تحولات این منطقه و تثبیت صلح یاری رساند، نامعلوم است. پس از شکست مذاکرات «کمب دیوید»، یاسر عرفات، رهبر دولت خود مختار فلسطین، به کشورهای همسایه و اروپایی سفر کرد تا بتواند برای مواضع فلسطین و اعلام کشوری مستقل، پشتیبانی آنها را کسب کند. اما آنچه که مشخص است، تا کنون پشتیبانی چندان زیادی از او به عمل نیامده است.

مساله صلح در منطقه، و به ویژه بین اسرائیل و فلسطین به علت عدم توافق طرفین بر اداره اورشلیم، و اعلام احتمالی فلسطین به عنوان کشوری مستقل در روز ۱۳ سپتامبر، لاینحل مانده است، و نفوذ فوق العاده احزاب دست راستی در دولت جدید اسرائیل اوضاع بغرنج فعلی را پیچیده تر کرده است. وزیر خارجه اسرائیل، «بن آمی»، که مانند عرفات به سفرهای اروپایی و منطقه ای برای جلب نظر این کشورها و کسب پشتیبانی آنها دست زده بود اعلام کرد که پشتیبانی بسیاری از این کشورها در رد اعلام کشور مستقل فلسطین به دست آورده است، و در مصاحبه، رادیویی خود با رادیو ارتش اسرائیل گفت: «ما بطور کامل مشخص کرده ایم که تصمیم های یک جانبه می‌تواند عکس العمل های یک جانبه ای را نیز از سوی مقابل به همراه داشته باشد،

«اگو»، سازمانی با آینده‌ی مبهم

که گویا قرار بود در صحنه جهان ظهور پیدا کند، می‌پنداشتند. اینک پس از گذشت بیش از یک دهه از تاسیس این سازمان، آمار و ارقام نشان دهنده شکست اگو در دستیابی به اهداف اولیه و تحقق برنامه‌های اعلام شده خود است.

در بررسی دلایل عدم توفیق اگو قبل از همه باید به این امر توجه داشت که، پایه‌ریزی پیمان‌های اقتصادی منطقه‌ای صرفاً نمی‌تواند متکی بر ملاحظات جغرافیایی و یا ایدئولوژیک باشد، و مشخصه‌هایی نظیر وجود درجه‌بندی از رشد و توسعه اقتصادی-صنعتی، استقلال و ثبات سیاسی نسبی اعضای تشکیل دهنده، حضور اقتصادی پویا و قدرتمند به مثابه موتور محرکه، ضروری است. پس از گذشت یک دهه، ملزومات همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، مانند بازار مشترک، اتحادیه گمرکی و جز اینها، به عنوان عوامل اقتصادی تعیین کننده، هنوز در چارچوب اگو شکل نگرفته است، و از این رو باید تأکید کرد که، همگرایی منطقه‌ای در میان ۱۰ کشور عضو، نه تنها در ابتدای راه در گِل مانده است، بلکه راهی طولانی و دشوار در برابر آن پیش بینی می‌شود.

این امر که منافع ایران، به عنوان یک کشور پهناور و غنی که از موقعیت ژئوپلیتیک ویژه‌ای برخوردار است، در گرو گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بر پایه احترام به حق حاکمیت ملت‌ها و روابط عادلانه و سودمند اقتصادی میان کشورهاست، مورد تأیید همه نیروهای ترقی خواه است. ضرورت همکاری‌های منطقه‌ای در جهان امروز، بویژه برای میهن ما، دارای اهمیت جدی است. شرکای طبیعی ایران نیز قاعدتاً کشورهای منطقه‌اند که در این حوزه تمدنی و جغرافیایی حضور دارند و با هزار و یک پیوند فرهنگی و تاریخی به یک دیگر گره خورده‌اند. اما متأسفانه هم‌اکنون روابط اقتصادی منطقه‌ای در نازل‌ترین شکل خود قرار دارد و از این رهگذر ایران بیش از همه زیان می‌بیند. بر اساس آمار انتشار یافته از سوی گمرک ایران، میزان واردات ایران از کشورهای عضو اگو در سال ۱۳۷۸، فقط ۳/۱ درصد واردات کل کشور را تشکیل داده است، و صادرات ایران به این کشورها از مرز ۱۸/۳ درصد کل صادرات ایران فراتر نرفته است. ایران مجموعاً ۴۴۵/۶ میلیون دلار در سال گذشته به کشورهای عضو اگو صادر کرد که، ترکیه با وارداتی معادل ۱۲۴/۵ میلیون دلار خریدار اصلی کالاهای ایران محسوب می‌شود. پس از ترکیه، ترکمنستان و پاکستان به ترتیب با ۹۲/۲ و ۸۳/۲ میلیون دلار کالا، در فهرست خریداران عمده ایران قرار دارند. در سال مورد نظر- سال ۱۳۷۸- مبادلات ایران با جمهوری آذربایجان در سطح نازلی قرار داشت. کل صادرات ایران به این کشور همسایه حدود ۵۷/۱ میلیون دلار بود. مجموع صادرات ایران به سایر اعضای اگو چیزی معادل حدود ۵۰ میلیون دلار بود.

مقایسه آمار صادرات ایران به کشورهای عضو اگو، طی سال‌های ۷۸ و ۷۷ خورشیدی، نشان‌گر این امر است که، صادرات به جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان و تاجیکستان افت چشم

ششمین نشست رهبران کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی-اگو- در تاریخ شب ۲۱ خرداد ماه سال جاری، در تهران برگزار شد. در این گردهمایی، روسای جمهوری تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ازبکستان، جمهوری آذربایجان، افغانستان (برهان الدین ربانی) و نخست وزیر قزاقستان و فرمانده کودتای نظامی پاکستان، ارتشبد پرویز مشرف، حضور داشتند. ترکیه، عملاً، نشست تهران را تحریم کرد، و به جای رئیس جمهوری خود، مقامی درجه دوم یعنی وزیر مشاور در امور اقتصادی، را روانه اجلاس ساخت.

ششمین نشست رهبران اگو در تهران، نخستین دیدار رسمی، در سده بیست و یکم بود. این نشست، در شرایطی برگزار گردید که، تنش در روابط کشورهای عضو اگو. بویژه سردی روابط تهران-آنکارا، فضای حاکم بر مناسبات در چارچوب این پیمان منطقه‌ای را زیر تأثیر خود گرفته بود. اقدامات مداخله جویانه پاکستان در امور داخلی افغانستان، و تجهیز گروه‌های تروریستی توسط پاکستان در منطقه آسیای مرکزی، کشمکش ژرف و بسیار حاد میان ترکمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر برخی منابع انرژی در دریای خزر، اختلاف حل نشده ایران و قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان و روسیه بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، رقابت خطرناک میان کشورهای عضو، بویژه ایران، ترکیه و پاکستان بر سر چگونگی عبور شاه لوله‌های نفت و گاز، و تحریکات جنگ افروزان رژیم حاکم بر آنکارا در کشورهای آسیای مرکزی، و سرانجام خطر درگیری نظامی میان ازبکستان و باند طالبان، گواه عدم انسجام لازم در سازمان اگو بوده است و نیز نشان‌گر این واقعیت است که، کشورهای عضو اگو، با وجود آنکه بر روی کاغذ و متأثر از مذهب رسمی مشترک بر سر اهدافی چون همکاری‌های اقتصادی توافق کرده‌اند، بشدت زیر تأثیر قطب بندی‌های سیاسی قرار دارند، و رقابت‌های منطقه‌ای و دخالت‌های فرامنطقه‌ای، سمت و سو و عملکرد اگو را تحت الشعاع خود قرار داده است.

منطقه جغرافیایی که اگو در آن فعال است، دارای اهمیت استراتژیک جدی است. این منطقه، یکی از محدود مناطقی به شمار می‌آید که، در شرایط کنونی جهان، هرگونه قطب بندی و تعادل نیرو در آن، به طور مستقیم بر موازنه و توازن قوا در سطح بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. برای پی بردن به اهمیت این منطقه، سخنان رئیس نوبتی سازمان امنیت و همکاری اروپا، که پیش از برگزاری نشست تهران به منطقه سفر کرده بود دارای اهمیت است. وی در آستانه سفر به آسیای مرکزی، به خبرنگاران اظهار داشت: «آسیای مرکزی مانند بالکان و قفقاز برای اتحادیه اروپا بسیار مهم و حیاتی است.» اگو شامل ۱۰ کشور، ایران، ترکیه، جمهوری آذربایجان، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان است، و مساحتی برابر ۷/۷ میلیون کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد، و جمعیتی بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند. سازمان همکاری اقتصادی-اگو- در واقع جانشین «سازمان عمران منطقه‌ای» است، که تا قبل از انقلاب بهمن ۵۷ سه کشور عمده دست‌نشانده امپریالیسم در منطقه یعنی ایران، ترکیه و پاکستان را در بر می‌گرفت. در سال ۱۳۶۸ سه کشور مذکور، با ابراز تمایل برای تجدید همکاری‌های منطقه‌ای، گفتگوهای را آغاز کردند. با فروپاشی اتحاد شوروی و تشکیل جمهوری‌های نوپدید در آسیای مرکزی و قفقاز، این کشورها و نیز افغانستان به عضویت اگو درآمدند. ترکیب اگو، چه به لحاظ نقش پر اهمیت کشورهایی چون پاکستان و ترکیه که یکپارچه در خط امپریالیسم عمل می‌کنند، و چه به لحاظ اقتصادهای ضعیف و لرزان کشورهای نظیر افغانستان و ازبکستان و چه از نظر بافت اقتصادی اکثر اعضای آن، توضیح دهنده علل عملکرد ضعیف و بیهوده آن از لحاظ معادلات اقتصادی منطقه‌ای است. نخستین اجلاس رهبران این سازمان، در بهمن ماه ۱۳۷۲ تشکیل شد. برخی از دولتمردان کشورهای اسلامی تشکیل اگو را مقدمه ایجاد بازار مشترک اسلامی و مولفه اصلی ابرقدرت اسلامی،

ادامه در صفحه ۶

آدرس‌ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3- <http://www.tudehpartyiran.org>

NAMEH MARDOM-NO:590
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

22 August 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.	نام
790020580	شماره حساب
10050000	کد بانک
Berliner Sparkasse	بانک

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۹۰، دوره هشتم
سال هفدهم، ۸ شهریور ۱۳۷۹

نگاهی به رویدادهای ایران در هفته ای که گذشت

روز دوشنبه، اظهارات تلویزیونی محمد خاتمی، مهم ترین خبر روز ایران بود. خاتمی در این گفت و گو به تشریح مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور پرداخت. خاتمی با اشاره به این موضوع که قرار بود این گفت و گو در سطح وسیع تری انجام بگیرد ولی به دلیل وضعیتی که او آن را برخورد فله ای با مطبوعات ذکر کرد، ترجیح داده این گفت و گو در سطح محدود تری صورت بگیرد. با اینکه در این گفت و گو به مشکلات و مسایل اقتصادی نیز پرداخته شد، اما مسایل حاد سیاسی مطرح شده، بیشترین توجه را به خود معطوف داشت. خاتمی با اشاره به سرکوب دانشجویان در تیرماه سال گذشته، گفت که، نتیجه بررسی های انجام شده راجع به کوی دانشگاه و دانشگاه تبریز مورد اطمینان نظر جدی قرار نگرفت. وی اذعان داشت قدرت او در حد تذکر به دستگاه های ذریبط است و ده ها تذکر او در مورد مسایل اقتصادی، قضایی، امنیتی در حد

کارگران همه کشورها متحد شوید!

تذکر باقی می ماند. وی در جواب ستوالی مبنی بر چگونگی پیگیری حقوق مردم توسط او اظهار داشت که، انتظار او این است که مواردی مورد اهتمام جدی قرار بگیرد، اما اگر نگرفت او فقط می تواند بگوید چرا نگرفته است. او گفت راه دیگر استعفا می باشد که او استعفا نمی دهد. در مود قتل های زنجیره ای گفت که، هیئت تشکیل شده توسط او بیش از هفت، هشت روز وجود نداشت و بعد وقتی معلوم شد که دست اندرکاران این قتل ها چه کسانی بودند کار پیگیری واگذار شد به سازمان قضایی نیروهای مسلح و او به هیچ وجه دخالتی در امور قضایی نمی کند و حق هم ندارد دخالتی بکند. گرچه تاکید خاتمی بر قانون و قانون اساسی در بیشتر این گفت و گو نمایان می باشد اما از محتوای صحبت های محمد خاتمی می شود به خوبی پی برد که تبعیت او به قانون ولی فقیه، مانع از آن می شود که به پیشبرد برنامه های قول داده شده به مردم جامعه عمل بپوشاند. محمد خاتمی رئیس جمهوری است که اساساً فاقد قدرت اجرایی است. او برای اجرای برنامه هایش نیاز به استفاده از قدرت توده ها دارد که تا کنون به هر دلیل از آن استفاده نشده است.

■ به گزارش ایسنا در روز سه شنبه، تاج زاده، معاون سیاسی وزیر کشور در اردوی جامعه اسلامی دانشجویان با تقسیم نیروهای فکری در جامعه به سه بخش نیروهای وفادار

به اصل نظام، نیروهای معتقد به فعالیت در چارچوب قانون اساسی و نیروهای مخالف با اساس نظام، شرط برقراری ارتباط گروه اول با دو گروه دیگر را، زیر سؤال نبردن کلیت نظام، دفاع از نظام بر مبنای عقیده ای که دارند و به رسمیت شناختن حقوق گروه دوم دانست. وی گفت مشکلی که بیش از همه ذهن آنها را به خود مشغول داشته، نحوه برخورد با دو گروه یاد شده می باشد.

■ «رسالت»، «جمهوری اسلامی» و «کیهان»، در تفسیرهای جدا اما با محتوایی همسو به انتقاد از محمد خاتمی پرداخته اند که چرا این مصاحبه در غیاب اصحاب مطبوعات صورت گرفت. روزی- نامه های ذکر شده با تکفیر روزنامه های طرفدار اصلاحات، که به تعطیلی کشانده شده اند، این موضع گیری محمد خاتمی را مبنی بر نارضایتی اش نسبت به وضعیت فعلی مطبوعات بر نتافته فقط بر همین نکته انگشت گذاشتند.

■ روزنامه «حیات نو»، خبر از جلسه غیر علنی مجلس برای بررسی سرمایه گذاری خارجی در کشور را تپش برجسته خود ساخت. بنا بر همین گزارش، یکی از اهداف این طرح اطمینان بخشیدن به سرمایه گذاران خارجی است که اموال و سرمایه هایشان از مصادره مصون خواهد بود. وزیر اطلاعات هم که در این جلسه غیر علنی شرکت داشته، تضمین امنیت سرمایه گذاری خارجی و داخلی کشور را اعلام داشته است.

■ روز پنجشنبه، کیهان از قول نیازی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح نوشت که، در خصوص اظهارات برخی افراد دست اندرکار مبنی بر اینکه تنها یک کمیته از طرف رئیس جمهور در این پرونده نقش داشته آن هم به مدت یک هفته، آن را تمسجب آور خوانند و چنین اظهاراتی را بدون مطالعه و برخلاف واقعیت ذکر کرد. یونس وزیر اطلاعات در جمع دانشجویان بسیجی با اشاره به فاصله گرفتن نسل سوم انقلاب و خطری جدی که از این ناحیه وجود دارد

آیا فردا خیلی دیر نیست؟

شکnceها و محکومیت های جوانان، دانشجویان و دیگر دگر اندیشان، بستن دهان ها، شکستن قلم ها و به تعطیل کشاندن مطبوعات دگر اندیش، و تجاوز به حقوق قانونی و انسانی خلق های ایران، ارائه داد. نکته اساسی این مصاحبه پیش از آنکه روشن گر مواضع شخص آقای خاتمی، به عنوان رئیس قوه مجریه، باشد طرح سؤال های مهمی است که پاسخی به آنها نه در این مصاحبه و نه در دیگر موضع گیری های رئیس جمهوری، و دیگر رهبران جبهه ائتلاف دوم خرداد، داده نمی شود. سؤال ها و مسایل اساسی که نقش تعیین کننده بی در ادامه روند اصلاحات و یا توقف آن ایفاء می کنند. در اینجا به گونه ای فشرده به بررسی چند مورد مهم از این مصاحبه می پردازیم:

۱. «از مسئولیت های مهمی که رئیس جمهور دارد یکی ریاست قوه مجریه و یکی هم اجرای قانون اساسی است. البته به نظر من ابهام هایی در مورد قانون اساسی وجود دارد.» سؤال مهم در اینجا این است که این ابهامات کدامند؟ آیا مساله ابهامی که به آن اشاره می شود، چیزی جز حد و حدود اختیارات «ولی فقیه» به عنوان حاکم مطلق بر «نظام اسلامی» است؟

۲. «این مسئول اجرای قانون اساسی گاهی ابزارهای لازم را ندارد و ما باید با تانی و تامل به آن برسیم.» و «در زمینه اجرای قانون اساسی بنده ده ها مورد تذکره دارم، هم به مسایل اقتصادی و هم مسایل قضایی، هم مسایل امنیتی و پیگیری های مختلفی که باید بشود. اما این در حد تذکر باقی ماند.» سؤال اساسی در این مورد این است که کدام ابزارها برای اجرای قانون اساسی لازمند که رئیس قوه اجرائیه کشوری آن را در اختیار ندارد و مهم تر اینکه تذکرات او پیرامون خلاف های قانون اساسی در هیچ ارگان و یا نهادی تأثیری نمی گذارد. اگر چنین تصویری درست است که به نظر ما چنین است آیا مردم حق ندارند بپرسند که آقای خاتمی با چه پشتوانه ای آنها را به آینده و به دست آوردن این ابزارهای نامشخص و مجهول امیدوار می کند. آیا فردا خیلی دیر نیست؟

تحولات ایران در هفته های اخیر شتاب فزاینده ای به خود گرفته است و مسایل مهمی همچون کنترل اهرم های سیاسی قدرت و این مساله که بالاخره چه کسی یا کسان و نیروهایی تصمیم گیرنده نهایی مسایلند. موضوع بحث روز محافل سیاسی و اجتماعی کشور است. در پی صدور «حکم حکومتی» خامنه ای و سلب اختیار نمایندگان مجلس شورا از بحث پیرامون «لایحه مطبوعات»، مساله تمرکز کامل همه اختیارات دولتی، حکومتی و «قانونی» در دست یک نفر، ماهیت استبداد مطلق رژیم «ولایت فقیه» را بیش از پیش، به عیان، در مقابل قضاوت افکار عمومی قرار داد و جنبش اصلاح طلبی و خصوصاً رهبری سیاسی آن را با چالشی جدی روبه رو کرد. در روزهای اخیر حملات آزاد چماق داران و چاقو کشان «ولی فقیه» در گوشه و کنار کشور به دانشجویان از خرم آباد تا شهرهای دیگر و سرکشی و بی توجهی به حقوق مردم تا این حد که گروهی فرودگاه را اشغال کنند، دانشجویان را مضروب و زخمی کنند و آنوقت هیچ کس در مقابل این همه تجاوز و خود سری پاسخ گو نباشد، و مهم تر اینکه در کشوری با این همه نیروی امنیتی، اطلاعاتی و بسیجی، گروهی بتوانند همه این اقدامات وحشیانه و جنایتکارانه را، که بی شک به سازمان دهی وسیع اطلاعاتی و تدارکاتی نیازمند است، بدون اطلاع عالی ترین مرجع تصمیم گیری، یعنی «فرمانده کل قوا»، «ولی فقیه رژیم» انجام دهند، بار دیگر این سؤال عمده را طرح می کند که با این خودسری ها، تجاوز به حقوق مردم و شهروندان چگونه باید برخورد کرد و مردم تا کی باید سنگ صبور تجاوزات ارتجاع باشند. در چنین فضایی است که مصاحبه سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، و بررسی آن از زوایای گوناگون قابل توجه است. خاتمی سرانجام، پس از مدتها سکوت در مصاحبه بی با مدیر عامل خبرگزاری جمهوری اسلامی، معاون سیاسی صدا و سیما و رژیم و رئیس خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، در مورد کارشکنی و بحران آفرینی ها، تصویری، اگرچه احتیاط آمیز و نه چندان روشن و کامل، از چهره ارتجاع حاکم و دستگاه استبداد «ولایت مطلقه» در گذار این سالیان، به ویژه جنایات اخیر، همچون، قتل های زنجیره ای، حمله به کوی دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز، دستگیری ها و

ادامه در صفحه بعد

ادامه در صفحه بعد

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

نگاهی به رویدادهای ایران

و اینکه این نسل جنگ را ندیده است، خواستار انتقال ارزش ها به آنجا گردید.

■ محسن کدیور و عبدالکریم سروش دو تن از سخنرانان اردوی سالانه دفتر تحکیم وحدت، به دلیل تجمع اوباش حزب الهی در محوطه فرودگاه خرم آباد، نتوانستند به محل برگزاری مراسم سخنرانی بروند. شاهرخ نماینده پل دختر و ملاوی در این باره به ایستنا گفت: «من در صدد این نیستم که این جمع را محکوم کنم، اما در صحبت های این دو سخنران بویژه در مصاحبه اخیر کدیور با یک مجله آلمانی، عنوان شده بود «من از زندان آزاد شدم و در زندان بزرگ تری به نام ایران زندگی می کنم، چرا که نمی توانم بگویم و بنویسم»، این سخنان در تحریک مردم [بخوان اوباش] بی تاثیر نیست.

■ یزدی، در نماز جمعه این هفته تهران در سخنانی که به کدیور اشاره داشت گفت: «دادگاهی مراحل قانونی خود را برای محاکمه مجرمی طی کرده، حال چند نفر می گویند، این حکم را نمی پسندیم و مردم باید در باره آن نظر دهند. این مخالفت ها امر مهمی نیست، نکته مهم در این بخش نهفته است که، فردی به عنوان حمایت و طرفداری از محکوم دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، جلسه می گیرد و برای عده ای جوان بی اطلاع، کم تجربه و پاک که از مسایل سیاسی اطلاعی ندارند، سخنرانی می گذارند.» وی با بیان این مطلب که رسوایی مارکیسم همه دنیا را فراگرفته، خطاب به کسانی که دین را اقیون توده ها و حکومت ها می دانند گفت: «این آقا با تکرار حرف مارکیست ها، خیلی صریح و آشکار می گوید که، دین یا حکومت نباید کاری داشته باشد. با دین و اعتقادات مردم بازی نکنید، با اسلام و قرآن نمی شود بازی کرد.» وی گفت که اگر بحث علمی وجود دارد طرح آن در محیط های علمی اشکال ندارد اما چرا این مباحث را در محیط های عمومی برای یک سری دانشجوی و افراد کم تجربه مطرح می کنید. یزدی در جایی دیگر با تهدید زنان مبارز میهن مان، خطاب به آنها گفت که حجاب خود را رعایت کنند. وی گفت: «مسئولان و مجریان نباید بگذارند که بچه ها با کبریت و بزمین بازی کنند، بچه ها از آتش بازی خوششان می آید.»

■ دفتر تحکیم وحدت با انتشار بیانیه ای اقدامات اخیر اوباش حزب الهی طرفدار ولایت فقیه را محکوم و ضمن حمایت از کدیور و سروش اقدامات تضحیتی در مورد دانشجویان شرکت کننده در نشست سالیانه دفتر تحکیم وحدت را تلاشی جهت ایجاد جو رعب و وحشت برای نمایندگان جنبش دانشجویی ارزیابی کرد.

■ به گزارش ایستنا، جلسات سخنرانی محسن آرمین و هدی صابر که قرار بود صبح این روز برگزار شود به دلیل عدم تامین امنیت مراسم، برگزار نگردید. گروه های اوباش با تجمع در مقابل استانداری خواستار عدم برگزاری اردوی سالانه دفتر تحکیم وحدت در خرم آباد گردیدند. بنا به اظهارات رضا حاجتی، عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، گروه های حمله کننده به سروش و کدیور به سلاح های سرد و گرم مسلح بودند. جبهه مشارکت با صدور اطلاعیه ای با محکوم کردن وقایع اخیر خرم آباد خواستار حفظ آرامش از سوی دانشجویان گردید. بنا بر همین گزارش اتوبوس حامل دانشجویان اهوازی، شیرازی و مشهدی در جاده مورد حمله اوباش حزب الهی قرار گرفت که در جریان آن تعدادی از دانشجویان زخمی گردیدند. تعداد دیگری از دانشجویان پس از ربوده شدن و ضرب و شتم در بیابان های اطراف رها شدند.

■ بنا بر گزارش هایی دیگر مردم خرم آباد در یک اجتماع ۵ هزار نفری ضمن حمایت از دانشجویان خواستار برخورد جدی با گروه های فشار گردیدند. حسین شریعتمداری شکنجه گر و مسئول روزنامه کیهان، با اشاره به دعوت کدیور و سروش برای سخنرانی توسط دفتر تحکیم وحدت گفت که، حرکت «مردم» کاملاً طبیعی و قابل پیش بینی بود. وی گفت «مردم» حق دارند که از باورهای خودشان دفاع کنند و اجازه اهانت به باورهای دینی شان را ندهند.

ادامه آيا فردا خیلی دير نيست؟

۳. و در مورد پایمال شدن مکرر حقوق مردم در موارد گوناگون این نکته که: «بنده سؤالم این است که نه تنها نتیجه بررسی بی که راجع به کوی دانشگاه و دانشگاه تبریز شد، مورد امان نظر جدی قرار نگرفت، بلکه حتی از این طریق، آن کمیته، دبیرخانه شورای امنیت ملی و در واقع رئیس جمهور هم مورد پرسش قرار گرفت. دستگاه های دیگر کار خودشان را کردند. با این وضع واقعا مشکل است که کار را انجام دهیم.» و نکته دیگر اینکه «در همین حادثه کوی دانشگاه، گزارشی که شورای عالی امنیت تهیه کرد، در نتایج بعدی و در مسایل پرونده حتی آن مورد توجه یا استفاده قرار نگرفت... من انتظار دارم که به عنوان مسئول امنیت کشور، آن مورد اهتمام جدی قرار بگیرد، اگر نگرفت، فقط من می توانم بگویم، چرا نگرفته، اما من در مسیر و روند قضاوت حق ندارم که دخالت کنم و دخالت نخواهم کرد. البته یک حق دیگر هم دارم و آن استعفاست که استعفا نخواهم داد.» سؤال مهم در اینجا این است که پس چه کسی، چه قوه ای یا مقامی یا مسئولی، باید در مورد این مسایل حیاتی برای امنیت و حفظ حقوق مردم، دخالت کند؟

۴. در پاسخ به این سؤال در مورد قوه قضائیه، افشاگری مهمی که دست «شاه کلید» اصلی - البته به طور ضمنی و در ابهام - زو می شود:

«خب. محدودیت هایی هست، (؟) حتی خود رئیس قوه قضائیه نمی تواند (؟) طبق ضوابط، هر کاری در دادگاه ها و محاکم انجام دهد (!) و در برخی موارد هم که مسایل عمومی کشور و عام بوده است.» به عبارت روشن تر اینکه مسایل عمومی و عام کشور، از جمله بستن روزنامه های مدافع اصلاحات و دستگیری هزاران دانشجوی مدافع آزادی و جز اینها مستقیماً در دفتر «ولی فقیه» و وابستگان امنیتی او تصمیم گیری شده و به بقیه دستگاه ابلاغ می شود.

۵. در باره قتل های زنجیره ای: «به شدت پیگیر شدیم. از همان وقت جو سازی شروع شد. بنده پیش رفتم و معتقد بودم که کانون فساد است که باید با آن برخورد شود و از آنجا این امواج پلید بیرون می آید. من هیئتی تشکیل دادم، این هیئت رئیس جمهوری پیش از هفت - هشت روز وجود نداشت. وقتی معلوم شد که دست اندرکاران این قتل چه کسانی بودند (که هنوز برای مردم عادی و حتی خانواده های مقتولین این موضوع نا روشن است)، کار پیگیری به سازمان قضایی نیروهای مسلح واگذار شد (!) و «دیگر هیاتی از ریاست جمهور وجود نداشت. حتی بنده چند دفعه اعلام کنم که دیگر هیئتی نیست، خود دوستان و دست اندرکاران (؟) می گفتند حالا نگویند، اعلام نکنید.» و «تا وقتی که یک نوع گزارش هایی می شد که به نظر رسید که روند و روال بازجویی درست نیست، اصرار و پافشاری بنده که باید مورد بررسی قرار بگیرد، حتی تا آنجا پیش رفت که اگر این طور نباشد، من اعلام می کنم که مثلاً دیگر کاره ای نیستم. رئیس جمهور هیچ هیئتی نگذاشته است. آن وقت زیر نظر سازمان قضایی نیروهای مسلح بود، الان زیر نظر قاضی (!) بنده هم به هیچ وجه دخالتی در امور قضایی نمی کنم. حق هم ندارم دخالتی بکنم، اما بالاخره این قتل ناشی از یک انحراف، یک نوع فساد، در یک جایی است.» سؤال اساسی این است که بالاخره مردمی که به آقای خانی اعتماد کردند کی قرار است محرم اخبار باشند و مطلع گردند که کدام دست های پنهان و پلید این چنین اختیاراتی را دارند که می توانند خواست خود را بر همه نهاد ها و قوای مجریه، قضایی و مقننه کشور تحمیل کنند، و آیا اصولاً هیچ نهاد و یا قوه ای با اختیار و «مستقل» در کشور وجود دارد؟ و بالاخره این جمع بندی که: «من امیدوارم که انشاء الله با این تذکرات کم کم مشکلات حل شود. بر هر حال باید برویم به سوی این که با تفاهم انشاء الله مشکلات را حل کنیم.»

آقای خانی، آیا مردم حق ندارند پیروند که در شرایط حاد و بحرانی کنونی که استبداد مطلق «ولایتی» در شکل یک کودتای خزنده و یا شرکت نیروهای ارتجاع و مزدوران مسلح و چماق داران نظامی و قضایی، شخصی پوش و اطلاعاتی - امنیتی رژیم سرکوبگر لحظه به لحظه با زور سر نیزه و چماق، حق تنفس را از تمامی زنان و مردان آزاده میهن مان، گرفته اند، می توان تنها با تذکر و تقاضم (تفاهم با چه کسانی؟ با فاجعه آفرینان تا بن دندان مسلح؟) مشکلات اساسی و بنیادین جامعه جان به لب رسیده را حل کرد؟ حرکت های روزهای اخیر مردم در اعتراض گسترده به خیره سری و تجاوزات مزدوران «ولی فقیه» به حقوق مردم نشان می دهد که کاسه صبر مردم بسرعت لبریز شده است و جنبش مردمی می رود تا با قاطعیت بیشتری مهر و نشان خود را بر تحولات کشور بزند. این جنبش باید هرچه زودتر سازمان دهی شود و با برنامه سیاسی و مبارزاتی مشخص، بدور از «معاملات» در بالا خود را برای برداشتن سد اساسی آزادی و مردم سالاری در میهن ما، یعنی «ولایت فقیه» آماده کند.

29 August 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 590
Central Organ of the Tudeh Party of Iran